



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

حیل ربا در معاملات از منظر فقه امامیه با رویکردی بر نظرات امام خمینی (ره)

مجید فخری دمشقیه^۱، محمود قیومزاده^۲، عباسعلی حیدری^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی (ره)، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۲. استاد، گروه فقه و معارف، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق (مدعو)، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: با حاکم شدن فضای پست‌مدرنیزم بر روابط مردم و پیچیده شدن روابط مزبور، راه‌کارهای مختلفی برای فرار از مقررات ابداع شده است. یکی از این مقررات، ممنوعیت ربا می‌باشد. هدف از پژوهش حاضر بررسی راه‌کارهای فرار از ربا در اندیشه امام خمینی (ره) می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: حرمت ربا از مسلمات فقه در همه مذاهب اسلامی است و به وسیله عقل، کتاب، سنت، و اجماع، حرمت آن قابل اثبات است. حتی در ادیان قبل از اسلام نیز ربا مورد تحریم قرار گرفته است. نزول تدریجی آن دلالت بر شیوع معاملات ربوی در صدر اسلام دارد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: ملاک حرمت ربا از دیدگاه قرآن، ظلم و انظلام است. در نتیجه، حرمت آن مطلق و راه‌کارهای فرار از آن نیز حرام می‌باشند؛ به تعبیری، صرف ایجاد کردن یک پوشش برای فرار از ظاهر ربا، موجب مباح شدن عمل نخواهد شد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۱-۵۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴

واژگان کلیدی:

ربا، امام خمینی (ره)، مشروعیت، حیله

نویسنده مسوول:

محمود قیومزاده

آدرس پستی:

ایران، ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی،
واحد ساوه، گروه فقه و معارف.

تلفن:

۰۹۳۵۴۳۵۷۷۸۲

کد ارمک:

0000-0003-1811-8616

پست الکترونیک:

maarefteacher@yahoo.com

۱. مقدمه

نگاه به عالم فقه و حقوق که رسالت آن‌ها تنظیم روابط میان افراد جامعه می‌باشد، از زاویه پست‌مدرنیسم و پیچیده شدن روابط افراد، باعث شده است که در عالم فقه و حقوق، شکست و انکسار ایجاد شود؛ بدین معنا که طبقه‌بندی‌های سنتی، نمی‌تواند روابط پیچیده فعلی تابعان حقوق را پوشش دهد. در نتیجه در حال حاضر شاهد این هستیم که فقه و حقوق اختصاصی، یعنی فقه و حقوقی که طیف کوچک‌تر، اما تخصصی‌تری از مصادیق روابط میان افراد را به نسبت حقوق سنتی، پوشش می‌دهد، در فضای تحلیل‌ها و استدلال‌های حقوقی نوین پا به عرصه وجود نهاده است. دلیل این امر نیز به این مسئله بازمی‌گردد که با گذشت زمان و ورود تکنولوژی و صنعت به فضای روابط مردم، ابزارهای جدید پا به عرصه‌ی وجود نهاده‌اند که یکی از کارایی‌های آن‌ها قابلیت استفاده برای فرار از اجرای مقررات و هنجارها می‌باشد (بیرانوند، ۱۳۹۹، ۲۱-۲۲).

مفهوم «ربا» از دیرباز در ادیان مختلف و فرهنگ‌های سراسر جهان مورد توجه مردم و متفکران حوزه‌های مختلف قرار گرفته است. این مفهوم در عمل، مفاسد و مضرات فراوانی را برای جوامع مختلف ایجاد کرده است؛ به همین دلیل در ادیان مختلف، صاحبان اندیشه از ابتدا به دنبال ایجاد محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی برای این مفهوم بوده‌اند. دین مبین اسلام نیز، با در نظر گرفتن مضرات و مفاسد این مفهوم، با شدیدترین ادبیات، مسلمانان را از ربا بر حذر داشته است.

پرسش اساسی که در این‌جا مطرح می‌شود این است که، راهکارهایی که مردم در عمل برای دور زدن ممنوعیت ربا به کار می‌بندند در فضای آراء فقها چه وضعیتی دارند؟ در باب اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر و پاسخ به این پرسش باید عنایت داشت که، با گذشت زمان و ورود متغیرهای مختلف به فضای روابط میان مردم، ابزارها و راهکارهای مختلفی برای دور زدن مقررات و کسب سود ایجاد شد. ممنوعیت ربا نیز یکی از موضوعاتی است که متأسفانه در عمل، راهکارهای مختلفی برای دور زدن آن ایجاد شده است. با توجه به گستردگی مصادیق این راهکارها لازم است که وضعیت سازوکارهای مزبور در پرتو آراء فقها مورد بررسی قرار گیرند. در این میان آراء و نظرات حضرت امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا آراء و نظرات مزبور با در نظر گرفتن جایگاه رهبری برای حضرت امام خمینی (ره)، می‌تواند به عنوان مبنایی مهم جهت تعیین سیاست‌های کلی نظام مورد استفاده قرار گیرند.

فرضیه‌ای که در پاسخ به پرسش مزبور مورد بررسی قرار خواهد گرفت این است که، ضمیمه کردن شیء به عنوان مبیع یکی از حیل تخلص از رباست. همچنین، ملاک مشروعیت حيله در بین فقهاء آیات و روایات است. در باب حیل ربا مشهور فقها نظرات خود را ارائه کرده‌اند. ادله مشروعیت حیل ربا در کتب فقهی مطرح شده است اما امام خمینی (ره) در ارتباط با عدم مشروعیت حیل ربا دلایل‌هایی ارائه کرده‌اند.

در ارتباط با پیشینه‌ی پژوهش حاضر باید عنایت داشت که مفهوم ربا در برخی آثار نویسندگان مورد بررسی قرار گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: مقاله‌ی باقری و ابراهیمی تحت عنوان «مطالعه تطبیقی منع ربا در حقوق کشورهای اسلامی و کشورهای اروپایی که در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، تفسیر واژه یوژوری که ریشه در ادبیات کلیسا دارد، شاید از واژه ربا در اسلام چندان دور نباشد. واژه‌ای که در حد لفظ باقی نمانده، بحث‌های زیادی را موجب شده است و تأثیر زیادی بر اقتصاد کشورها گذاشته است. این مقاله ابعاد تاریخی، حقوقی و اقتصادی منع بهره را از منظر حقوق غرب و حقوق اسلام مطالعه می‌کند. بحران مالی و اقتصادی که از آمریکا شروع شد نیز گفتگوهای بسیاری را پیرامون نرخ بهره موجب شده است. از یک سو، منابع مالی که به نفت وابسته‌اند در کشورهای اسلامی یافت می‌شود و بنابراین برای جهان غرب مهم است که برای توسعه خود منع بهره در اسلام را درک کند. از سوی دیگر، تجربه بانکداری اسلامی با چالش‌هایی مواجه شده، که بازنگری در بعضی مفاهیم را گریزناپذیر کرده است. از این رو با توجه به اینکه پول چه در جهان غرب و چه در جهان اسلام، نقش سابق خود را ایفاء نمی‌کند، این سؤال مطرح می‌شود که آیا هر دو نظام حقوقی باید سعی در همگرایی داشته باشند؟ نتیجه این است که، این دو نظام آنچنان که به نظر می‌رسد از یکدیگر فاصله ندارند (باقری و ابراهیمی، ۱۳۹۱).

مقاله‌ی میرعرب تحت عنوان «تفسیر اجتماعی آیات ربا برای فهم دلایل ممنوعیت مطلق آن» که در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است. از نظر نویسنده، قرآن کریم ربا را زیاده طلبی جنون‌آمیز دانسته است. این فعل اقتصادی در جامعه رواج دارد و عده‌ای در پی یافتن راه‌حل‌های تجویز آن هستند. مفسران اجتماعی، ممنوعیت مطلق این فعل اقتصادی را استنباط کرده‌اند. مطالعه توصیفی تحلیلی با گرایش اجتماعی در تفسیر آیات ربا نشان می‌دهد که ترویج نفرت و تشدید فاصله طبقاتی، تخریب نظام اقتصادی، به خطر افتادن سلامت مادی و معنوی جامعه، نابودی سرمایه‌های انسانی، ناهنجاری‌های اخلاقی، کوتاهی عمر جامعه، تضعیف دین‌داری و... از پیامدهای ممنوعیت ربا است که سبب می‌شود، احساسات نیروهای تولیدی و نیازمندان جریحه‌دار و میل انتقام‌جویی از رباخوار در آنان بروز کند و جامعه در حال جنگ و نزاع قرار گیرد. به همین دلیل خدای متعال اصرار بر ربا و رباخواری را جنگ با خود و رسولش خوانده است (میرعرب، ۱۳۹۹، ۲۷-۲۸).

در ارتباط با نوآوری‌های پژوهش حاضر باید عنایت داشت که، در آثار موجود مسئله‌ی حیل‌های ربا به تفکیک و با تمرکز بر آراء و نظرات امام خمینی (ره) مورد بحث بررسی قرار نگرفته است که این امر محور اصلی پژوهش حاضر می‌باشد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، حرمت ربا از مسلمات فقه در همه مذاهب اسلامی است و به وسیله عقل، کتاب، سنت، و اجماع، حرمت آن قابل اثبات است. حتی در ادیان قبل از اسلام نیز ربا مورد تحریم قرار گرفته است. نزول تدریجی آن دلالت بر شیوع معاملات ربوی در صدر اسلام دارد. علاوه بر این، حرمت ربا آن‌چنان ارتباط عمیقی با نظم و عدالت موجود در بطن روابط انسانی دارد که نمی‌توان به بهانه‌ی ضرورت و هم‌گامی با تحولات زمان، راه کارهای فرار از آن را تجویز نمود.

۵. بحث

در ابتدای بحث لازم است به بررسی منطق حاکم بر روابط افراد و همچنین مفهوم ربا در منابع فقهی بپردازیم و در ادامه حیل ربا در پرتو آراء و نظرات مرحوم حضرت امام خمینی (ره) مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۵-۱. مفهوم‌شناسی

در این بخش دو مفهوم مبنایی، یعنی «پست مدرنیسم و منطق حاکم بر عالم حقوق» و «ربا» مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

۵-۱-۱. پست‌مدرنیسم و منطق حاکم بر عالم حقوق

در رویکرد سنتی، روابط تابعان حقوق در دو حالت قانونی و غیرقانونی قرار دارد؛ به بیان ساده‌تر در پرتو این رویکرد، منطق ریاضی یا یک نگاه صفر و یکی بر عالم حقوق حاکم است. در نتیجه هنجارهای حاکم بر روابط تابعان یا ریشه در عالم حقوق و یا ریشه در عالم خارج حقوق (در اغلب موارد عالم اخلاق) دارند. با گذشت زمان و حاکم شدن فضای پست‌مدرنیسم بر روابط تابعان، رویکرد سنتی با چالش‌های اساسی مواجه شد؛ زیرا در فضای مزبور نه منطق ریاضی بلکه منطق فازی حاکم می‌باشد. این امر نیز نتیجه افزایش متغیرهای تأثیرگذار بر روابط تابعان بود. این باعث شد که در میان حقوقدانان این مسئله مطرح شود که: رفتارهای تابعان حقوق ممکن است تحت تأثیر فضای پست‌مدرنیسم و منطق فازی، به جای این‌که در حالت‌های سنتی قانونی و غیرقانونی بودن قرار گیرد، در طیفی از حالت‌های متنوع (اعم از قانونی بودن، کمتر قانونی بودن، غیرقانونی بودن، کمتر غیرقانونی بودن) قرار گیرد (بیرانوند، ۱۳۹۹، ۷۱-۷۲). واژه فازی به معنای مبهم، غیرواضح و غیردقیق است. این رویکرد در دهه ۶۰ میلادی توسط پروفسور لطفی‌زاده متولد شد و به طور

۵-۱-۲. تعریف ربا

در تفسیر القاسمی در تعریف ربا آمده است: «هو فضل مال خال عن العوض فی معاوضه مال بمال» یعنی ربا عبارت است از دریافت مال اضافی که بدون، عوض باشد در مبادله مال به مالی (قاسمی، ۱۹۵۷، ۴۱).

در تفسیر «من وحی القرآن» در تعریف ربا آمده است: ربا عبارت است از مبادله دو کالای هم جنس (کمیت آنها یکی باشد) که یکی از آن دو زیادتز از دیگری باشد. یا قرض مال به مقدار زیادتز از آن که باید ادا شود (زیادی عینی یا حکمی) (فضل الله، ۱۹۹۸، ۸۰).

در تفسیر المنیر آمده است: «ربا در شرع اضافه گرفتن مال بدون عوض در معاوضه مال به مال است» و در تعریف ربای نسبه آمده است: ربا عبارت است از اضافه مشروط برای وام‌دهنده بدون اینکه در مقابل آن مابه‌ازایی باشد (زحیلی، ۱۴۱۸، جزء ثالث) در المبسوط فی الفقه الامامیه نیز، معیار حرمت ربای معامله‌ای را کیل و وزن می‌دانند و می‌گویند: معیار صرفاً از نص (روایات) گرفته است (طوسی، ۱۳۶۳، ۸۸).

در منهاج الصالحین نیز به هم جنس بودن کالا و مکیل یا موزون بودن به عنوان دو شرط تحقق ربا تأکید شده است. در تحریرالوسیله نیز برای تحقق ربای معاملی بر همین دو شرط تأکید شده و شرط تحقق ربای قرضی را فقط، شرط ربا می‌داند. (خویی، ۱۴۱۰، ۱۱۴؛ خمینی، ۱۴۰۱، ۳، ۶۴). در نهایت الاحکام نیز آمده است که ربای معاملی فقط

خلاصه در مقابل منطق ارزش‌های صفر و یکی طراحی شده است. به بیان ساده‌تر در پرتو این منطق با توجه به تعدد متغیرها، خروجی ممکن است طیفی از مقادیر کاملاً صحیح، صحیح، غلط، کاملاً غلط، تاحدودی صحیح، تاحدودی غلط، باشد. با توجه به این دیدگاه، نگاه به عالم حقوق در قالب‌های دوگانه سنتی مانند قانونی و غیرقانونی، الزامی و غیرالزامی بی‌فایده است. در واقع باید حقوق را در شرایط و درجات مختلف و متنوعی از قانونی بودن یا الزام‌آوری دید. به بیان ساده‌تر هنجارها می‌توانند بیشتر یا کمتر الزام‌آور باشند (و نه حتماً الزام‌آور مطلق یا غیرالزام‌آور)؛ و اعمال می‌توانند بیشتر یا کمتر قانونی (و نه حتماً قانونی مطلق یا غیرقانونی) باشند (بیرانوند، ۱۳۹۹، ۱۱۱-۱۱۲).

با توجه به این پیچیدگی که در روابط انسانی ایجاد شده است، برخی معتقدند که اصول و مبانی سنتی پاسخگوی نیازهای فعلی نیست، در نتیجه باید با در نظر گرفتن تحولات جدید، اصول را بازتعریف کنیم. یکی از جنبه‌های خاص در این زمینه نیز مفهوم «ربا» می‌باشد. به بیان ساده‌تر، با سازوکارهای مختلف از جمله تجویز حیل ربا و یا تعریف مفهوم «ضرورت»، جواز توسل به ربا را صادر کنیم؛ زیرا نیازهای فعلی در عالم روابط تابعان حقوق، چنین ایجاب می‌کند. این رویکرد را ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار خواهیم داد؛ در نتیجه، در ادامه به بررسی متغیر دیگر پژوهش یعنی «ربا» خواهیم پرداخت.

در اشیاء پیمانه‌ای و موزون می‌آید و در غیر آن دو نمی‌آید (طوسی، ۱۳۶۳، ۳۷۵).

۵-۲. پیشینه ربا

در این قسمت به پیشینه‌ی ربا در مدینه و همچنین قرون وسطی و مسیحیت به اجمال اشاره‌ای خواهیم داشت.

۵-۲-۱. رباخواری در مدینه

در مدینه نیز رباخواری به حدّی وجود داشت که، افراد زیادی در نتیجه‌ی آن، صاحب ثروت‌های کلانی شده بودند. این رباخواری به یهود اختصاص نداشت. نصارا و اعراب هم به آن عادت داشتند و این معنا به خوبی از قرارداد صلحی که پیغمبر (ص) با مسیحیان نجران بست معلوم می‌شود، زیرا در آن قرارداد چنین آمده است (بلاذری، ۱۴۱۲، ۷۶).

البته هیچ یک، به پای یهودیان نمی‌رسیدند، آن‌ها توانسته بودند از طریق ربا ثروت، و از همه مهم‌تر گروگان‌های زیادی را مالک شوند. این گروگان‌ها مربوط به کسانی بود که نتوانسته بودند دین خود را ادا نمایند. این افراد، حتّی از فرزندان و زنان مردم هم نمی‌گذشتند و در صورت لزوم آن‌ها را به گروگان نگاه می‌داشتند و طبیعی بود، در صورتی که وام‌گیرنده، از پرداخت دین خود، عاجز می‌شد، گروگان‌های انسانی او به مالکیت وام‌دهنده درمی‌آمد. در کتب تاریخی از انواع و اقسام معاملات ربوی در جاهلیت قبل از اسلام، گزارش شده است که در این مختصر مجالی برای پرداختن به آن‌ها نیست (اجتهادی، ۱۳۶۳، ۹۳-۹۱).

۵-۲-۲. رباخواری در دوران قرون وسطی

در قرون وسطی پرداخت بهره، بابت وام، «رباخواری» نامیده می‌شد و دریافت ربا به موجب آن قدغن شده بود و این ممنوعیت تا قرن سیزده که کلیسا حاکم بود، جریان داشت و در پایان قرن سیزدهم، عوامل متعدّدی باعث شد که نفوذ کلیسای ارتدکس تضعیف شود. اصلاح‌طلبان به رهبری «لوتر» و «تزوینگل» با اخذ بهره موافقت کردند و با کاهش نفوذ کلیسا، قرض دادن با بهره، قابل قبول گردید. در انگلیس در سال ۱۵۴۵ در زمان سلطنت هنری هشتم، ممنوعیت ربا برداشته شد و در همین دوره بود که کلمه‌ی «بهره» به جای «ربا» به کار رفت (قریشی، ۱۳۷۷، ۱۴).

در واقع با شروع رنسانس در اروپا، پایه‌های تحریم ربا، سست و ضعیف گردید، چراکه تحولات صنعتی و تجاری مستلزم تأمین مالی فراوانی بود که حد و مرز و قید و شرط نمی‌شناخت و لغو ممنوعیت ربا به همه عالم، سرایت کرد و جهانگیر شد و این سخن پیامبر (ص) بیش از پیش مصداق کرد که: زمانی بر مردم خواهد رسید که هیچکس از رباخواری سالم نمی‌ماند و اگر هم ربا نخورد، گرد و غبار آن به او اصابت خواهد کرد (ری شهری، ۱۴۱۶، ۲، ۱۱۸).

آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب ربا و بانکداری اسلامی در مورد حرمت ربا در اسلام چنین می‌فرماید: «تحریم ربا از مسائل مهم اسلامی است و بازتاب گسترده‌ای در آیات و روایات دارد. بسیاری از فقهای بزرگ هنگامی که وارد این مبحث شده‌اند تنها به دلایل سه‌گانه (قرآن، حدیث و اجماع)

۴۲۳) (گناه) یک درهم ربا، از هفتاد بار زنای با محرم، شدیدتر است. این روایات بقدری زیاد است که شاید به سر حدّ تواتر برسد (مجلسی، ۱۴۰۶، ۲۷۲).

۵-۳. ربا در منابع فقهی

در این قسمت به بررسی ربا در پرتو منابع فقهی اعم از قرآن کریم، سنت، اجماع و عقل خواهیم پرداخت.

۵-۳-۱. ربا در قرآن

در هشت آیه از آیات قرآن درباره‌ی ربا سخن به میان آمده است. ابتدا لازم است آیات مذکور را به ترتیبی که نازل شده‌اند با ترجمه‌ی روان آنها یادآور شویم. و ما آیتیم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عندالله و ما آیتیم من زکوّه تریدون وجه الله فاولئک هم المضعفون (روم/۳۹). مالی که به ربا می‌دهید (از نظر افراد کوته‌بین) ممکن است زیاد گردد؛ اما در پیشگاه خداوند، چیزی بر آن افزوده نخواهد شد.

و اخذهم الربا و قد نهوا عنه و اکلهم اموال الناس بالباطل و اعتدنا للکافرین منهم عذاباً الیماً (نساء/۱۶۱) یکی از عادات زشت یهود این بود که ربا می‌گرفتند، در حالی که از آن نهی شده بودند و اموال مردم را می‌خوردند، ما برای کافران عذابی دردناک فراهم ساخته‌ایم.

یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا الربوا اضعافاً مضاعفهً و اتقوا الله لعلکم تفلحون و اتقوا النار التي اعدت للکافرین و اطيعوا الله و الرسول لعلکم ترحمون. ای

بسند کرده‌اند در حالی که تحریم ربا را بی‌شک با دلیل عقلی نیز می‌توان اثبات کرد. بنابراین ادله اربعه (قرآن، سنت، اجماع و دلیل عقل) بر تحریم رباخواری و اهمیت این گناه بزرگ گواهی می‌دهد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ۹).

تدریجی بودن تحریم ربا و اعلام شدت تحریم و خطاب اکثر آیات ربا به مومنین بیانگر این واقعیت است که رباخواری در صدر اسلام در جاهلیت به وفور رواج داشت. لذا، مورخین موارد متعددی از انواع معاملات ربوی را در جاهلیت ذکر کرده‌اند (طبری، ۱۳۶۲) معنای اکل ربا اجماع است میان مفسرین که مراد از اکل ربا (خوردن ربا) هر گونه تصرف مال ربوی است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۷، ۷۵). در تفسیر انوار درخشان آمده است که هرگز کسی از چنین صحنه مبارزه‌ای (جنگ با خدا و رسول خدا) رهایی نخواهد یافت و بدست خود و افراد اجتماع به کیفر جنایت‌های خود خواهد رسید. (حسینی همدانی، ۱۳۸۰، ۳۷۵)

صاحب تفسیر المراغی می‌گوید: محاربه با خدا به این معناست که عدم خضوع در مقابل قوانین شرعی به معنای خروج از آن است و چنین کسانی از اسلام خارج شده‌اند (مراغی، ۱۴۱۹، ۶۷).

تفسیر البغوی نیز ستمگر بودن را به معنای اخذ زیادی (ربا) و مورد ستم واقع شدن را به معنای کاهش در اصل سرمایه می‌داند (بغوی، ۱۳۶۶).

مرحوم طباطبائی (ره) نیز در تفسیر المیزان، نوشته است: با گرفتن ربا ستم نکنید و با تعرض به اصل مال، مورد ظلم واقع نشوید، چرا که گرفتن اصل مال حق وام‌دهندگان است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳).

گروه مومنان، ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید؛ تقوای الهی داشته باشید تا رستگار شوید. از آتشی که برای کافران آماده شده بپرهیزید و خدا و فرستاده او را اطاعت کنید تا مشمول رحمت شوید. (عمران/۱۳۲-۱۳۰)

الذین یا کلون الربا لا یقومون الا کما یقول الذی یتخبطه الشیطان من المس ذالک بانهم قالوا انما البیع مثل الربا و احل الله البیع و حرم الربا فمن جائه موعظه من ربه فانتهی فله ما سلف و امره الی الله و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون (بقره/۲۷۵) کسانی که ربا می‌خورند به پا نم‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه و آشفته حال شده و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند، این به خاطر آن است که گفتند: بیع هم مانند رباست در حالی که خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است. اگر کسی اندرز الهی به او برسد و از (رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (قبل از نزول حکم تحریم) بدست آمده مال اوست (و خدا، گذشته او را خواهد بخشید) و عاقبت کار او با خدای مهربان باشد. اما کسانی که باز گردند (و مجدداً مرتکب این گناه شوند) اهل آتش خواهند بود و همیشه در آن می‌مانند.

یمحق الله الربا و یربی الصدقات والله لایحب کل کفار اثمیم (بقره/۲۷۶). خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد و خداوند هیچ انسان ناسپاس گناهکار را دوست ندارد.

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربا ان کنتم مومنین (بقره/۲۷۸). ای کسانی که ایمان

آورده‌اید تقوی پیشه کنید و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده رها کنید اگر ایمان دارید.

فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله و رسوله فان تبتم قلکم رؤوس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون (بقره/۲۷۹). اگر چنین نکنید (یعنی تحریم ربا را اجرا نکنید) بدانید که با خدا و رسول او به جنگ برخاسته‌اید و اگر توبه کنید، اصل سرمایه از آن شماسست، در این حال نه ستم کرده‌اید و نه تن به ستم داده‌اید.

و ان کان ذو عسرۃ فنظرۃ الی تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون (بقره/۲۸۰). اگر (بدهکار) قدرت پرداخت اصل سرمایه را ندارد، او را تا هنگام توانایی مهلت دهید (در صورتی که به راستی قدرت پرداخت ندارد) اگر (منافع این کار را) بدانید، بهتر است آن را ببخشید.

۵-۳-۲. حکم ربا از دیدگاه سنت

سنت دومین منبع از منابع تشریع بعد از قرآن است. روایات شیعه و سنی بر حرمت ربا دلالت دارند. تعداد این گونه روایات خصوصاً در کتب شیعه بسیار زیاد است، به عنوان مثال: فقط در وسائل الشیعه در ابواب ربا و صرف، بیش از سیصد روایت ذکر شده است که در ذیل به تعدادی از آنها دلالت بر حرمت ربا دارد؛ اشاره می‌کنیم:

پیغمبر اکرم (ص) به علی (ع) فرمود: «یا علی درهم رباً أعظم عند الله من سبعین زنيه...» (حرعاملی، ۱۴۰۳) ای علی یک درهم از ربا از نظر گناه و معصیت بدتر از هفتاد بار زناست.

امام صادق (ع) فرمود: درهم ربا اشد من سبعین زینه کله بذات محرم (حرّاملی، ۱۴۰۳) (گناه) یک درهم ربا، از هفتاد بار زنای با محرم، شدیدتر است. این روایات بقدری زیاد است که شاید به سر حدّ تواتر برسد (مجلسی، ۱۴۰۶، ۲۷۲).

این تعبیر در روایات متعدد دیگری وارد شده است ولی با اعداد و ارقام مختلف در بعضی از روایات معادل ۳۳ بار و در روایت دیگر معادل ۳ بار و در بعضی معادل ۲۰ بار و در بعضی معادل یک بار عمل منافی عفتّ شمرده شده است.

در اینجا این سوال پیش می‌آید که چرا عددها در روایات مزبور تا این حد متفاوت است؟ در پاسخ این سوال می‌توان گفت که رباها مختلف است. همه‌ی انواع ربا بد، ظالمانه و زشت است، ولی بعضی از بعضی بدتر و زشت‌تر می‌باشد و این تفاوت اعداد، مربوط به تفاوت انواع رباست، مثلاً ربای اضعاف مضاعف با ربای معمولی متفاوت است و قبح و زشتی آنها یکسان نیست. امام باقر (ع) فرمود: اخبث المكاسب کسب الربا (حرّاملی، ۱۴۰۳). خبیث‌ترین شغل‌ها، کسب و درآمد رباست.

شبهه همین روایات از پیامبر (ص) هم نقل شده که فرمود: بدترین مکاسب، کسب رباست. شرّ المكاسب کسب الربا (حرّاملی، ۱۴۰۳). از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از کارهای نیک امتناع نکنند. (حرّاملی، ۱۴۰۳) از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند:

کسی که رباخوار باشد، خداوند در روز قیامت به اندازه ربایی که خورده شکمش را از آتش جهنم پر می‌کند و سایر اعمال او را (صدقه و بخشش و

انفاق... قبول نمی‌کند و پیوسته مورد لعنت خدا و فرشتگان خواهد بود (حرّاملی، ۱۴۰۳).

امام صادق (ع) از امیرمومنان (ع) نقل کرد که فرمود: «آکل الربا و موکله و کاتبه و شاهاده فیه سواء» یعنی رباخوار، و کسی که ربا می‌دهد و کسی که وکیل به گرفتن رباست و کسی که قرارداد ربا را می‌نویسد و شاهدان همگی در گناه برابرند. در روایت دیگری نقل شده که خداوند بر همه آنها لعنت می‌فرستد. در کتب اهل سنت هم روایات متعددی وجود دارد که دلالت بر حرمت ربا می‌کند. در کنز الاعمال از قول پیامبر (ص) آمده است: یعنی آن که پول را قرض ربوی می‌دهد و او که قرض ربوی قبول می‌کند در گناه مساوی هستند «الاخذو المعطى سواء فى الربا» (هندی، ۱۴۰۵، ۱۱۰).

در سنن ابن ماجه آمده است: روى عمر الاحوص عن ابيه قال: سمعت رسول الله (ص) فى حجة الوداع: يا ايها الناس... ان دماءكم و اموالكم و اعراضكم عليكم حرام الا و ان كل ربا من ربا الجاهلية لكم وروى اموالكم لا تظلمون و تظلمون. (قزوینی، ۱۴۱۸، ۱۲۸)

عمر احوص از پدرش روایت کرده که گفته از پیامبر (ص) در حج الوداع شنیدم که فرمود: ای مردم خون‌ها، اموال و اعراض شما بر یکدیگر حرام است. آگاه باشید انواع ربا مانند ربای جاهلیت کان لم یکن اعلام می‌شود و آنچه به شما تعلق دارد فقط اصل سرمایه‌هایتان است و با گرفتن اصل سرمایه (بدون اضافی) نه ستم کنید و نه مورد ستم واقع شوید.

خلاصه آن که از روایات شیعه و سنی به دست می‌آید که ربا به طور کلی در اسلام حرام است و شدت بیان روایات مانند شدت بیان قرآن که آن را محاربه با خدا می‌داند، دلالت بر حرمت مطلق و ابدی آن دارد.

۵-۳-۳. حکم ربا از دیدگاه عقل

فقها و مفسرین درباره حرمت ربا از دیدگاه عقل به طور مستقل بحث نکرده‌اند. شاید یکی از علل این بود که به علت بداهت آن در قرآن و سنت نیازی به طرح این مسئله از دیدگاه عقل به طور مستقل نمی‌دیده‌اند؛ اما به طور اجمالی بعضاً گفته‌اند که ربا از دیدگاه عقل حرام است بعضی از فقها در کتب فقهی خود به حرمت ربا با دلایل عقل استدلال کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۵۵). شهید اول دلیل حرمت ربا را علاوه بر نص، اجماع می‌داند (شهید اول، ۱۴۱۰، ۲۹۳).

مقدس اردبیلی (ره) نیز در شرح مجمع الفائده، اجماع را به عنوان یکی از دلائل تحریم ربا در اسلام می‌داند (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۹، ۴۵۱). عدم توجه به قصد و نیت، که در واقع روح معامله و شرط اصلی صحت معامله است علی‌رغم آنکه قصد و نیت، شرط اصلی معامله است (الاعمال بالنیات)، ظواهر امر اینگونه نشان می‌دهد، که در بیشتر موارد هدف اصلی مشتری استفاده از تسهیلات، و هدف اصلی کارگزاران بانک اطمینان از بازدهی چند درصد، بنام سود می‌باشد و در این میان روح قضیه چندان مطرح نیست (بختیاری، ۱۳۷۳، ۱۸۹).

شرط هر نوع زیاده در قرارداد قرض ربا ممنوع است. ولی در عین حال و مانعی برای پرداخت اضافه، وجود ندارد. بطوری که، قرض‌کننده، بدون آنکه خود را متعهد بداند می‌تواند به هدف قدردانی و یا تشویق وی چیزی اضافه بر مقداری که قرض کرده به او بپردازد، و این نکته نه تنها جایز بلکه مستحب نیز می‌باشد (خمینی، ۱۳۸۱، ۱).

۵-۳-۴. حکم ربا از دیدگاه اجماع

تحریم ربا از نظر علمای شیعه، بلکه جمیع علماء اسلام مسلم است و نه تنها آن را حرام دانسته‌اند بلکه منکر آن را مرتد خوانده‌اند، و این حکم را جزء ضروریات دین اسلام شمرده‌اند. بنابراین اگر کسی با علم به ضروری بودن حرمت ربا، منکر آن شود از زمره مسلمین جهان خارج است.

در حدیثی می‌خوانیم: «یکی از یاران امام صادق (ع) می‌گوید: به امام صادق (ع) خبر رسید که مردی رباخواری می‌کند و از روی انکار و استهزاء ربا را «لبا» (اولین شیری که مادر به نوزادش می‌دهد و مایه‌ی حیات اوست) می‌نامد. حضرت صادق (ع) فرمودند: اگر خداوند مرا بر او مسلط کند و او در دسترس من قرار گیرد گردن او را خواهیم زد» (حرّعاملی، ۱۴۰۳). شهید اول (ره) دلیل حرمت ربا را علاوه بر نص، اجماع می‌داند (شهید اول، ۱۴۱۰، ۲۹۳).

صاحب جواهر الکلام (ره) نیز مانند اکثر فقها حرمت ربا را بر اساس نص (قرآن و سنت) و اجماع می‌داند (نجفی، ۱۳۷۴، ۲۳، ۳۲۲). مقدس اردبیلی (ره) نیز در شرح مجمع الفائده، اجماع را به عنوان

یکی از دلائل تحریم ربا در اسلام می‌داند (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۹، ۴۵۱). خلاصه اینکه، هیچکس منکر اجماع در حرمت ربا نیست.

۵-۴. حدود ربا

در مجمع البیان از قول ابن عباس نقل شده است که ربا فقط در نسیه صادق است (نجفی، ۱۳۷۴، ۲۴، ۲۷۴). در تفسیر کبیر آمده علت اینکه ابن عباس قائل به این نظریه بوده است، این است که معتقد بوده قرآن به خبر واحد تخصیص نمی‌خورد (طبرسی، ۱۹۹۵، ۷، ۷۶). در تحریر الوسیله آمده است: اقوی عدم اختصاص ربا به بیع است، بلکه در سایر معاملات مانند صلح و مانند آن هم می‌آید (خمینی، ۱۳۸۶، ۳، ۶۴).

در تفسیر منهاج الصادقین آمده است: حرمت ربای نسیه مورد اجماع است و در غیر نسیه هم ربا وارد می‌شود و حصر ربا در نسیه در روایت (أما الربا إلا فی النسیه)، حصر به جهت مبالغه بوده نه چیز دیگر (کاشانی، ۱۳۴۴، ۱۴۲). در حدود ربا بین فقهاء و مفسرین و صحابه پیامبر (ص) اجماع وجود ندارد. در حالی که اکثریت معتقدند ربا هم در نسیه است و هم در نقد، ولی عده‌ای معتقدند که ربا فقط در نسیه است، به عبارت دیگر ربا در معاملات را قبول ندارند و دلیل آن روایتی است که ابن عباس از پیامبر (ص) روایت کرده است. «لا ربا الا فی النسیه» (مغنیه، ۱۹۸۲، ۱۳۴).

۵-۵. بررسی راه‌های تجویز ربا و پاسخ به آن‌ها

برخی از متفکرین اسلامی با گسترش تحولات اقتصادی عصر حاضر و با توجه به ضرورتی که برای وجود ربا در نظام سرمایه‌داری توسط برخی از اقتصاددانان مطرح شده است درصدد برآمدند تا به نحوی راه‌هایی برای توجیه ربا بیابند.

۵-۵-۱. ربا با بهره‌ی پایین

عده‌ای با استناد به آیه «لاتاكلوا الربا اضعافاً مضاعفه» (آل عمران/۱۳۰) گفته‌اند؛ ربایی که توسط قرآن حرام اعلام شده است، ربای فاحش است یعنی جایی که بهره به دو برابر یا چند برابر اصل قرض برسد. ربا حرام است ولی اگر نرخ بهره کم باشد به طوری که هیچ فشاری به قرض گیرنده تحمیل نشود، حرام نیست (نمر، ۱۹۸۷، ۴۷۶).

البته گفته شده که این افراد به دلیل «عدم الظلم» هم استناد می‌کنند و می‌گویند: خداوند ربا را به علت وجود ظلم حرام کرده است و روشن است که ظلم موقعی روی می‌دهد که نرخ بهره بالا باشد و قرض‌کننده نتواند آن را پرداخت کند. اما اگر نرخ بهره کم باشد بطوری که فرد با استفاده از قرض، بیشتر از بهره قرض سود ببرد، ستمی در کار نخواهد بود (نمر، ۱۹۸۷، ۴۷۶).

بعضی نیز گفته‌اند: «ال» در «الربا» به گفته اکثر مفسرین «ال معهود» است و اشاره به ربای معروف و معهود در زمان نزول آیه دارد و ربای معروف نزد عرب در آن زمان ربای مضاعف (فاحش) بود و

اعراب غیر از آن را نمی‌شناختند و خداوند همان را تحریم کرده است (نمر، ۱۹۸۷، ۴۷۷).

آقای میثم موسایی، در کتاب تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی در پاسخ به موضوعات مطرح شده چنین استدلال می‌کند: بین ربای محرم (ربای فاحش) و نرخ بهره نظام سرمایه‌داری که مقدار کمی است و براساس میزان بازدهی سرمایه تعیین می‌شود و در آن هیچ ظلم و تحمیلی برگیرنده وام نیست، فرق وجود دارد و نمی‌توان حکم یکی را بر دیگری تسری داد. بنظر می‌رسد این استدلال‌ها هیچ کدام درست نباشد زیرا: اولاً، آیه‌ی مذکور مرحله‌نهایی حکم ربا نیست که بتوان در آن توقف کرد، بلکه مرحله‌ی انتقالی است و خداوند بعد از آن، ربا را به صورت کلی تحریم نموده و فرمودند «وان تبتم فلکم رووس اموالکم» یعنی شرط توبه از ربا این است که تنها اصل بدهی را بگیری و زیاده را هر چه باشد برگرداند.

ثانیاً: قیدر «اضعافاً مضاعفۀ» صرفاً درباره نوع رباهایی که در شبه جزیره گرفته می‌شد صادق نیست، بلکه درباره‌ی انواع رباهایی که در عصر حاضر هم صورت می‌گیرد صادق است. زیرا ربا یک معامله بسیط نیست که با یک مرحله تمام شود بلکه معامله مرکبی است که تکرار می‌گردد (یعنی یا از ابتدا قرض و وام برای سالیان زیادی است که با روش نرخ بهره مرکب محاسبه می‌شود و یا پشت سرهم بعد از سررسید مدت بهره بر اصل و فرع سابق گرفته می‌شود) و در نتیجه بهره هر قدر هم کم باشد در نهایت به صورت فاحش و اضعافاً مضاعفۀ در می‌آید. اما این که گفته شد که به علت

عدم ظلم بودن ربای کم حرام نیست مانند این است بگوییم دزدی بزرگ، حرام است اما دزدی کوچک حرام نیست. یا مثلاً خوردن یک قطره شراب حرام نیست ولی خوردن یک لیوان که مصداق شراب است حرام است. این استدلال‌ها قابل قبول نیست زیرا افراد را بر انجام گناهان بزرگ جرأت می‌بخشد. لذا برای اهمیت درجه این حرمت، شارع مقدس، هم کم آن را و هم زیادش را حرام کرده است. به علاوه ربای کم، مفهومی کشش‌دار است و کم و بزرگ بودنش نسبی است و معیار ندارد. بعلاوه شواهد تاریخی، بیانگر این واقعیت است که در اقتصاد صدر اسلام فقط ربای مضاعف نبوده بلکه انواع مختلفی داشته است. اما در رابطه با استدلال سوم، باید گفت «ال» در «الربا» اشاره به ربای معهود بین اعراب در زمان صدر اسلام دارد. لیکن قرائن و شواهدی موجود است که عرب به مطلق «زیاده» چه کم باشد و چه زیاد «ربا» می‌گفت. خصوصاً اینکه ربا در سایر ادیان الهی هم حرام بوده است و لذا این طور نبود که مردم تنها ربای فاحش را بشناسند و اصولاً اصطلاح نرخ بهره کم و زیاد و فرق گذاشتن بین آن دو، بعد از رواج نظام سرمایه‌داری وارد متون اسلامی شده است و قبل از آن مسلمانان هر نوع «زیاده» را ربا و حرام می‌دانستند (موسایی، ۱۳۷۷، ۷۸).

۵-۲. بهره‌ی وام‌های مصرفی

کسانی که ربا را فقط در وام‌های مصرفی حرام می‌دانند دلایلی دارند از جمله: الف) ربایی که در صدر اسلام توسط قرآن تحریم شد، اختصاص به ربا

در قرض‌های مصرفی دارد و وام‌های تولیدی و تجاری را شامل نمی‌شود (شیخ شلتوت، ۱۳۷۹)؛ (ب) ماهیت «قرض یا بهره» تغییر کرده است. بنابراین، نمی‌توان حکم «قرض با بهره» صدر اسلام را بر قرض با بهره امروز بار کرد (نمر، ۱۹۸۷، ۳۰۹). وام‌های تولیدی و تجاری امروزه یک ضرورت اقتصادی هستند و موقع ضرورت و اضطرار، محرمات مباح می‌شوند؛ (د) وجود وام‌های تجاری و تولیدی به مصلحت جامعه است و طبق قواعد اصولی موقع تحقق مصلحت راجحه حرمت برداشته می‌شود (شیخ شلتوت، ۱۳۷۹، ۲۷۲).

۵-۳- تغییر موضوع قرض

عده‌ای از علما معتقدند موضوع قرض یا بهره نسبت به سابق و صدر اسلام تغییر کرده است. بنابراین، نمی‌توان حکم ربا (قرضه با بهره سابق) را بر عملیات بانکی امروز جاری کرد. در این مورد گفته شده است: شرایط اقتصادی که ربا در آن حرام بود، الان دگرگون شده است و این دگرگونی و تحولی، جوهری است و حکم ربا در عصر حاضر سزاوار است که با حکم آن در زمان گذشته تفاوت داشته باشد. توضیح این‌که، در سابق ماهیت قرض‌های با بهره به این صورت بود که، اولاً این افراد نیازمند و محتاج بودند که به سراغ افراد غنی و پولدار می‌رفتند و تقاضای قرض می‌کردند، ثانیاً افراد پولدار از اضطرار و حاجت شخصی نیازمند سوءاستفاده می‌کردند و از او ربا می‌گرفتند و در واقع فرد محتاج از روی ناچاری تن به قبول آن می‌داد و این همان قساوتی بود که به خاطر آن

اسلام ربا را تحریم کرد. اما در عملیات بانکی امروز مسئله کاملاً تغییر کرده به این صورت که، اولاً، بانک به خاطر نیاز از کسی تقاضای پول نمی‌کند، بلکه این صاحبان پول هستند که طبق مصالحشان به بانک می‌روند و می‌خواهند پول آنان را هم ودیعه بگیرد. ثانیاً: این صاحب پول نیست که به گیرنده (بانک) شرط زیاده و ربا کند، بلکه برعکس این بانک است که طبق محاسبات دقیق و با رعایت مصالح بانک، نرخ بهره‌ای را به صاحب پول پیشنهاد می‌کند و در صورت رضایت پول او را می‌گیرد، و در این معامله نه ظلمی به بانک می‌شود (چون بانک که بر ضرر خود کاری نمی‌کند) و نه به صاحب پول که علاوه بر اصل مالش مقداری زیاده گرفته است. پس در نظام بانکی (بهره بانکی) دیگر چنین نیست که گیرنده پول از روی احتیاج پولی بگیرد و از روی ناچاری تن به قبول شرط زیاده دهد. پس موضوع کاملاً عوض شده است و لازم است که حکم (حرمت) هم تغییر نماید. این عده فروش اوراق قرضه دولتی و خصوصی و تعیین بهره معینی برای آن اوراق را هم طبق همین استدلال حلال و غیر ربوی می‌دانند و معتقدند ماهیت اوراق قرضه، شبیه معاملات بانکی است و با قرض‌های ربوی صدر اسلام اختلاف ماهوی دارد. پس نه بهره بانکی و نه بهره اوراق قرضه هیچ یک مشمول ربای محرم توسط قرآن کریم نخواهد بود (نمر، ۱۹۸۷، ۳۰۹). در جواب باید گفت: اگر اوضاع اقتصادی صدر اسلام خصوصاً مکه را مورد مطالعه دقیق قرار دهیم، خواهیم دید که ماهیت قرض‌ها هیچ تغییر ماهوی نکرده است. همان طوری که گذشت در صدر اسلام

تغییری در ماهیت قرض‌ها رخ نداده است. تغییر در اصل ماهیت پولی است.

۵-۴. ربا و ضرورت‌های اقتصاد

عده‌ای از علما در تجویز بهره‌ی بانکی و ربا راه دیگری پیموده‌اند و می‌گویند: جزء مسلمات فقه است که در موقع ضرر و مشقت طبق قاعده اصولی، الضرورات تبیح المحظورات، در احکام اسلامی تخفیف پیدا می‌کند، چرا که خداوند در قرآن می‌فرماید: (فمن اضطر غیر باغ و لا عاد فلا اثم علیه ان الله غفور رحیم، هر آن کس که مجبور شود که ستمگر و متجاوز نباشد گناهی بر او نیست خداوند بخشنده و مهربان است). در جای دیگر می‌فرمایند: ما جعل علیکم فی الدین من حرج و «لا یکلف الله نفساً الا وسعها» «خداوند هیچ کس را بر بیش از توانایش تکلیف نمی‌کند».

طبق همین قاعده فقها از همان صدر اسلام فتوی داده‌اند، اگر فرد محتاجی نیازش به شکلی بود که به غیر از راه قرضی ربوی برآورده نمی‌شود، جایز است اقدام به گرفتن قرض با بهره کند و امروزه به خاطر گسترش روابط تجاری و تولیدی مسئله‌ی نیاز و حاجت از حد شخصی فراتر رفته است به طوری که اگر کشاورزی بخواهد زمینی را آباد کرده و به امر کشاورزی بپردازد، احتیاج به وام و اعتبار بانکی دارد و به غیر راه بهره‌راهی برای به دست آوردنش نیست. وضعیت صنعتگران و تجار هم به همین شکل است. پس اگر ما به خاطر تحریم ربا کشاورزان، صنعتگران و تجار را از گرفتن وام و پرداختن به تولید و تجارت بازداریم، نه تنها زندگی

همه‌ی قرض‌ها از روی نیاز و احتیاج نبود، بلکه مقدار زیادی از آنها بین پولداران عرب و تجار قریش انجام می‌گرفت به این صورت که بعضی از سرمایه‌داران عرب (مثل عباس بن عبدالمطلب، خالد، خدیجه و...) پولشان را در اختیار تجار عرب قرار می‌دادند تا آنان با استفاده از آن پول به تجارت و کسب درآمد بپردازند و مشکل واگذاری پول گاهی به صورت عقد مضاربه و گاهی به صورت قرض ربوی بود و طبیعی است که در چنین موقعیتی تاجر به خاطر احتیاج و نیاز سراغ پولدار نرفته و پولدار هم به جهت سوءاستفاده از اضطراب او شرط زیاده نکرده است و او هم از باب ناچاری تن به قبول نمی‌داده، بلکه مثل عملیات بانکی و اوراق قرضه امروز، این صاحبان پول بودند که دنبال تاجر امین و ماهر می‌گشتند (همان طوری که از داستان پیامبر (ص) قبل از بعثت پیداست که عمویش ابوطالب به او گفت: خدیجه زن ثروتمندی است و دنبال افراد امین می‌گردد تا پول در اختیار آنان بگذارد وقتی پیامبر (ص) پیش خدیجه رفت، خدیجه از تصمیم او خوشحال شد و حتی طبق برخی نقل‌ها خدیجه خود کسی را دنبال پیامبر (ص) فرستاد و ثانیاً این تاجر بودند که براساس تجربیات چندین ساله‌شان زیاده‌ای را پیشنهاد می‌کردند و یا حداقل در زیاده پیشنهاد شده از طرف صاحب مال فکر می‌کردند و مجبور به قبول هم نبودند. اسلام همین قرض با این ماهیت را تحریم نمود و گفت: صورت معامله باید به شکل مضاربه باشد نه قرض ربوی، پس هیچ

خود آنان دچار عسر و حرج می‌شود، بلکه اقتصاد کشور را هم مختل کرده و به رکود می‌کشانیم و نتیجه این می‌شود که مسلمانان حتی در تأمین مایحتاج روزمره زندگیشان نیازمند کشورهای بیگانه شوند و روشن است که هیچ وقت خداوند چنین وضعیتی را دوست ندارد. پس می‌توان ادعا کرد در عصر حاضر به خاطر وجود ضرورت اقتصادی، ربا مباح است، همان طوری که در مواقع اضطرار و ضرورت دیگر محرمات (مثل خوردن شراب، نگاه به نامحرم و...) حلال می‌شود. در جواب باید گفت: درست است که در مواقع ضرر و مشقت احکام اسلامی تخفیف پیدا می‌کنند، لیکن معنای این حرف این نیست که در هر ضرورت و گرفتاری احکام اسلام را کنار بگذاریم ولو منشاء آن ضرر وهم و خیال بوده باشد، بلکه تخفیف در احکام اصول و مبادی دارد که بایستی به آنها توجه داشت (عبدالهادی، ۱۹۹۹، ۱۱۳).

الف- ابتدا باید مقدار ضرر و مشقت ملاحظه شود. چون برای هر مشقتی نمی‌توان احکام شرعی را کنار گذاشت. برای مثال وضو در زمستان، روزه در تابستان، مسافرت برای حج همه توأم با سختی و مشقت است لیکن این سختی آن قدر نیست که بخاطر آنها تکالیف ساقط شود، بلکه برای سقوط تکلیف لازم است که شخص مریض شود یا از دشمنی بترسد یا ظالمی او را مجبور کند یا چنان فقیر باشد که نتواند، یا یک گرفتاری غیرمعارف داشته باشد یا نقص عضوی پیدا کند و امثال اینها، در این موارد شرع در احکامش نسبت به آن شخص تخفیف می‌دهد. ب- تخفیف در حکم بایستی به

مقدار ضرورت باشد، کسی که می‌تواند نشسته نماز بخواند، حق ندارد خوابیده بخواند و کسی که با چند جرعه شراب می‌تواند زنده بماند نمی‌تواند سیر شراب بخورد. پزشکی که در معالجه مجبور به نگاه کردن به زن نامحرم است، تنها آن مقداری که در مداوا لازم است می‌تواند نگاه کند. ج- در مواقع ضرر حق نداریم راهی را انتخاب کنیم که از جهت ضرر مثل آن یا بیشتر از آن باشد، یا اگر به مفسده‌ای گرفتار شده‌ایم حق نداریم تدبیری بیندیشیم که مفسده‌اش بیشتر از حالت قبل است. خلاصه تخفیف در حکم شرعی بایستی در کم کردن ضرر و مفسده باشد. د- به مجرد رفع ضرر و مشقت، تخفیف در حکم شرعی هم از بین می‌رود. مثلاً به مجرد سلامت، تیمم باطل می‌گردد.

۵-۵-۵. عدم آشنایی و آگاهی کافی طرفین معامله (کارگزاران و مراجعان) به شرایط معامله در بانکداری جدید

عدم اطلاع مشتریان و کار گزاران بانک از محتویات اوراقی که امضاء می‌کنند، می‌توان موجب بطلان معامله و حرام بودن آن گردد. روشن است تا شخص، به شرایط معامله، علم نداشته باشند قصد معامله نمی‌آید و تا قصد معامله نیاید، معامله باطل است و معامله‌ای که باطل شد، بدتر از ربا می‌شود (مصباحی، ۱۳۷۱، ۸۸). تعدد عقود اسلامی و پیچیده بودن شرایط عقد بر مشکل مذکور دامن زده است.

۵-۵-۶. صوری عمل کردن بسیاری از بانک‌ها

بسیاری از معاملات در بانک‌ها صوری هستند. به عنوان مثال، با استفاده از عقد جعاله، جهت تعمیر مسکن، تسهیلاتی داده می‌شود. و حال آنکه بانک، که عامل جعاله است، تنها به مراجعه‌کننده پول می‌دهد، بدون اینکه گیرنده‌ی پول، مسکن داشته باشد، یا اگر دارد، نیازی به تعمیر ندارد، یا اگر نیاز به تعمیر دارد، پول آن را برای مصرف دیگری به کار می‌اندازد. در مشارکت مالی و فروش اقساطی مسکن، معمولاً قیمت‌گذاری واقعی نیست، هدف دریافت اصل مبلغ پرداخت شده همراه سود مورد نظر است و قیمت براساس آن تعیین می‌گردد (مصباحی، ۱۳۷۱، ۹۰؛ موسویان، ۱۳۷۷، ۷۰). و از آنجائی که کار اصلی بانک، انجام فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری نیست و این کار از حیطة تخصص آنها خارج است، لذا امکان نظارت دقیق بر اجرای مفاد عقود برای بانک‌ها وجود ندارد. بانک‌ها از جاری شدن عقد و پرداخت وام فقط می‌تواند به فکر بازپرداخت آن باشد. این مسئله باعث می‌شود که بسیاری از معاملات و عقود در بانک‌ها حالت صوری پیدا کند. اگر این قضیه را قبول کنیم به ناچار باید بپذیریم که در عملیات فعلی بانک‌ها، دریافت و پرداخت، ربا واقع می‌شود.

۵-۵-۷. مشکل اخذ جریمه‌ی تأخیر تأدیّه

بانک ناگزیر است برای تأخیر در پرداخت مطالبات، جریمه‌ای وضع، و از گیرنده‌ی تسهیلات اعتباری دریافت نماید. این امر شبهه ربوی بودن را از دیدگاه شرعی به ذهن متبادر می‌کند، که عده‌ای

از فقها دریافت آن را مجاز می‌دانند و برخی دریافت آن را تجویز نمی‌نمایند. قاعده لاضرر عدم توجه به قدرت خرید پول در گذر زمان، باعث می‌شود امکان ظلم و انضلام قطعی گردد و این به دلیل دائمی بودن تورّم می‌باشد. با تمسّک به اصل لاضرر، جبران ضرر و زیان طرفین مبادله و در بحث حاضر، قرض‌دهنده، واجب و ضروری است و این مسئله‌ای است که برخی از فقهای معاصر، نظیر آیت ا... صدر، آیت ا... شهید بهشتی، آیت ا... مکارم شیرازی و آیت ا... موسوی بجنوردی و... بطور کلی در همه مبادلات و برخی از فقها در برخی از مبادلات خاص مثلاً مهریه، به آن توجه کردند (موسایی، ۱۳۷۷، ۱۲۶-۱۰۳).

۵-۶. مبانی تحریم حیل ربا در اندیشه امام خمینی (ره)

در قسمت قبل مشاهده شد که بنا به برخی دلایل، راه کارهایی برای تجویز ربا ارائه شده بود که این راه کارها عملاً به صورت ضمنی حیل ربا را بدون اشکال قلمداد می‌کنند. اما همان‌طور که در تحلیل موارد فوق بیان کردیم، هیچ‌کدام از مبانی مزبور نمی‌توانست به واقع توسل به ربا و یا حیل ربا را تجویز نماید. در ادامه به بررسی مبانی که در اندیشه امام خمینی (ره) بر اساس آنها نمی‌توان جواز ربا یا حیل ربا را صادر کنیم، خواهیم پرداخت.

۵-۶-۱. ربا، بدترین نوع استثمار

اصل بهره از پول یک امری است بسیار خلاف انصاف و خلاف انسانیت که یک پولی آنجا گذاشته‌اند، بعد آن پول نه کاری، نه چیزی، یک چیزی در آورند. بدترین انواع استثمار همین رباست که در مقابل هیچ، خود پول که هست و در مقابل هیچ، این بزاید، بهره بردارد. در اسلام، این البته به هر صورتش حرام است حتی این فرارهایی که بعضی‌ها جایز می‌دانند، این فرارها هم صحیح نیست. فرار از ربا هم صحیح نیست. یک راه‌هایی گفته شده است، لکن آنها هم صحیح نیست بهره‌برداری از این نقود و از پول به هیچ وجه در اسلام جایز نیست. از جهتی که یک همچو بانک اسلامی که مبنایش بر این باشد که بهره در کار نباشد و ربا در کار نباشد، این یک خدمت بزرگی است به جامعه و به اسلام، هر دو، که امید است که احتیاج مردم از سایر بانک‌ها به واسطه‌ی این بانک سلب بشود و مردم توجه نکنند به این بانک که اسلامی است، مبنایش اسلام است، اسلامی است و مبنایش بر این است که استثمار نکند مردم را، بهره‌برداری از انسان بی‌خودی نکند (خمینی، ۱۳۶۸، ۴۲۵).

۵-۶-۲. اهمیت بازار در پشتیبانی از اسلام

بازار باید مظهر تام اسلام و عدالت باشد. بازار باید احتراز کند از چیزهایی که مخالف دستورات اسلام است. و اقبال کند به آن چیزهایی که موافق دستورات اسلام است. از ربا بازار باید مظهر باشد. اگر در بین بازاری‌ها اشخاصی باشند که خدای

نخواست ربا می‌خورند، خود بازاری‌ها آنها را نصیحت کنند. مبدا یک همچو مرضی توسعه پیدا بکند و مملکت ما را به نابودی بکشد. رباخوری، بازارها را از بین خواهد برد. مردم را خواهد تباه کرد. مبدا خدای نخواسته در بین بازار یک همچو معصیت بزرگی که در رأس معاصی، خدا قرار داده است و آن را بالاتر از زنا و در حکم مقاتله با خدا قرار داده است باشد (خمینی، ۱۳۶۸، ۵۲۵).

۶. نتیجه‌گیری

علی‌رغم این که حاکم شدن فضای پست‌مدرنیزم بر روابط افراد باعث پیچیده شدن روابط مزبور گشته است؛ و از طرفی نیز، با در نظر گرفتن این موضوع، نیازهای افراد جامعه تغییر پیدا کرده است، اما نمی‌توان به این بهانه، به این نتیجه برسیم که تمام اصول و قواعد مبنایی موجود نیاز به بازتعریف و کنار گذاشته شدن دارند. برخی از اصول آن‌چنان با مبانی فطری زندگی انسان عجین هستند که به نظر می‌رسد دارای وصف ابدی می‌باشند. به تعبیری، صرفاً برای یک زمان یا مکان خاص طراحی و ارائه نشده‌اند. ممنوعیت ربا به واسطه آثار سوء آن، از آن دسته مقرراتی می‌باشد که ادیان، مذاهب و نظام‌های حقوقی مختلف مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است.

حرمت ربا از مسلمات فقه در همه مذاهب اسلامی است و به وسیله عقل، کتاب، سنت، و اجماع، حرمت آن قابل اثبات است. حتی در ادیان قبل از اسلام نیز ربا مورد تحریم قرار گرفته است. نزول تدریجی آن دلالت بر شیوع معاملات ربوی در صدر

مصرفی و هم تجاری مصداق دارد. سادساً ربای معاملی محدود به مکیل و موزون نمی‌باشد و مکیل و موزون بودن خصوصیت ندارد، زیرا ملاک حرمت ربا از دیدگاه قرآن، ظلم و انظلام است.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

اسلام دارد. تعمیق در آیات مربوط به ربا دلالت بر این مسئله دارد که ملاک حرمت ربا در اسلام، ظلم و انظلام است. در میان ربای معاملی اختلاف است. عده‌ای آن را منحصر در هم جنس بودن و مکیل یا موزون بودن می‌دانند و عده‌ای «خوراکی بودن» و «مسکوک بودن» را اضافه می‌کنند. عده‌ای هیچ یک از موارد مذکور را دارای خصوصیت نمی‌دانند و ربا را در معدودات نیز جاری می‌کنند. عده‌ای که مخالف قیاس‌اند، ربا را در اشیاء شش‌گانه منحصر می‌کنند و عده‌ای آن را تعمیم می‌دهند. اقلیتی فقط ربای نسیه (قرضی) را حرام می‌دانند و ربا معاملی را قبول ندارند و اکثریت، ربا را هم در نقد و هم در نسیه جاری می‌دانند. عده‌ای ربای قرضی را حرام و ربای معاملی را ذاتاً غیرحرام بلکه مکروه و دومی را حریم اولی می‌دانند و عده‌ای هر دو را ذاتاً حرام ولی شدت حرمت اولی را بیش از دومی می‌دانند. اقلیتی ربا را فقط در کالاهای مشمول زکات می‌دانند و اکثریت، آن را منحصر در کالاهای مشمول زکات نمی‌دانند. عده‌ای ربای معاملی را فقط در بیع جاری می‌دانند و عده‌ای آن را تعمیم می‌دهند. در تحقیق حاضر به این نتیجه رسیدیم که اولاً ربای معاملی نه فقط در بیع بلکه در همه مبادلات جاری است؛ ثانیاً ربای معاملی محدود به کالاهای مشمول زکات نمی‌باشد. ثالثاً ربای معاملی محدود به اشیای شش‌گانه نمی‌باشد و ذکر اشیاء شش‌گانه در روایات عامه به عنوان مثال بوده است. رابعاً هم ربای قرضی و هم ربای معاملی حرام هستند. البته شدت تحریم ربای قرضی بیش از ربای معاملی است. خامساً ربای قرضی هم در امور

منابع

- اجتهادی، ابوالقاسم، وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان اموی، تهران، سروش، ۱۳۶۳.
- باقری، محمود، ابراهیمی، مریم. «مطالعه تطبیقی منع ربا در حقوق کشورهای اسلامی و کشورهای اروپایی»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش حقوق مدنی، دوره اول، شماره دوم، ۱۳۹۱.
- بختیاری، صادق، «قانون عملیات بانکداری بدون ربا و چالش مفاهیم»، فصلنامه اندیشه حوزه، شماره پنجاه و سوم، ۱۳۷۳.
- بغوی، ابی محمد محمد الحسین بن مسعود، تفسیر البغوی، المجلد الاول، دار طلبیه، ۱۳۶۶.
- بلاذری، احمد بن یحیی. فتوح البلدان، علق علیه: رضوان محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲.
- بیرانوند، فرید، رویه‌ی محاکم ملی در مواجهه‌ی با حقوق نرم بین‌المللی با تأکید بر حقوق بشردوستانه، پایان‌نامه دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۹.
- حرّعاملی، محمد بن حسن، وسایل شیعیه، جلد ششم، تهران، مکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳.
- حرّعاملی، محمد بن حسن، وسایل شیعیه، جلد دوازدهم، تهران، مکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳.
- حسینی همدانی، سید محمد (آقا نجفی)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، جلد دوم، کتابفروشی لطفی، ۱۳۸۰.
- خمینی، روح الله، صحیفه امام، جلد هفتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸.
- خمینی، روح الله، صحیفه امام، جلد سیزدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸.
- خمینی، روح الله، کتاب البیع، جلد اول و دوم، قم، انتشارات مهر، ۱۳۸۱.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، جلد سوم، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۶.
- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱.
- خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، جلد دوم، قم، انتشارات مدینه العلم، ۱۴۱۰.
- ری شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد سوم، بیروت، دارالحديث، الطبعة الثانية، ۱۴۱۶.
- زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج، دمشق، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸.
- شیخ ابی عبدالله شمس الدین محمد بن جمال الدین مکی العاملی، شهید اول الدروس، بیروت، ۱۴۱۰.
- شیخ شلتوت، محمود، مقارنه المذاهب فی الفقه، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۷۹.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، المجلد الثانی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷.

- طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (بیروت) حقه و علقلیه لجنة و من العلماء و المحققین الاخصائین، قدم له السيد محسن الامین العاملی الجزء الثانی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۵.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد دوم، قم، المكتبة المرتضویه الاحیاء الاثار الجعفریه ۱۳۶۳.
- عبدالهادی، محمد، الربا و القرض فی اللغة الاسلامی، مجلد الاول، ریاض، ۱۹۹۹.
- فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، جلد هفتم و هشتم، مرکز تحقیق دار التراث العربی، ۱۴۲۰.
- فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، دارالزهراء، ۱۹۹۸.
- قاسمی، محمد جمال الدین، تفسیر قاسمی: محاسن التأویل، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، المجلد الاول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۷.
- قریشی، سید علی اکبر، فسیر احسن الحدیث، جلد اول، واحد تحقیقات بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
- قزوینی، حافظ ابو عبدالله محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، جلد دوم، بیروت، لبنان، ۱۴۱۸.
- کاشانی، ملا فتح الله، نهج الصادقین، جزء دوم، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیة، ۱۳۴۴.
- مجلسی، روضه المتقین، جلد هفتم، مؤسسة کوشانپور، ۱۴۰۶.
- مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، جزالثالث، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۹.
- مصباحی، غلامرضا، مجموعه سخنرانی ها و مقالات ارائه شده به سومین سمینار بانکداری اسلامی «پارهای از مشکلات بانکداری بدون ربا» تهران، موسسه بانکداری ایران، ۱۳۷۱.
- مغنیه، محمد جواد، فقه الامام جعفر صادق، بیروت، دارالجواد، ۱۹۸۲.
- مقدس اردبیلی، ملا احمد، (مجمع الفائده و برهان)، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۳۷۹.
- مکارم شیرازی، ناصر، ربا و بانکداری اسلامی قم، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، چاپ اول، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، مطبوعاتی هدف، ۱۳۷۶.
- موسایی، میثم، تبیین مفهوم و موضوع ربا از دیدگاه فقهی، چاپ دوم، تهران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۷.
- موسویان، سید عباس، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس بانکداری اسلامی، تهران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۷.
- میرعرب، فرج اله، «تفسیر اجتماعی آیات ربا برای فهم دلایل ممنوعیت مطلق آن»، نشریه مطالعات تفسیری، دوره یازدهم، شماره چهل و دوم، ۱۳۹۹.

- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، جلد بیست و سوم و بیست و چهارم، چاپ دارالکتب اسلامیة، ۱۳۷۴.

- نمر، عبدالمنعم، الاجتهاد، الهیئه المصریه العامه للكتاب، ۱۹۸۷.

- هندی، متقی، کنز العمال، چاپ پنجم، جلد چهارم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵.

Ways to escape from usury in transactions from the perspective of Fiqh of Imamiyya with an approach to the views of Imam Khomeini

Majid Fakhri Damascus¹, Mahmoud Qayyumzadeh^{2*}, Abbas Ali Heidari³

1. PhD Student in Jurisprudence, Jurisprudence and Basics of Law and Thought of Imam Khomeini, Khomeini Branch, Islamic Azad University, Khomeini, Iran.

2. Professor, Department of Jurisprudence and Education, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 31-52

Article history:

Received: 5 Apr 2021

Edition: 7 Jun 2021

Accepted: 9 Aug 2021

Published online: 26 Sep 2021

Keywords:

Usury, Imam Khomeini, legitimacy, Ruse

Corresponding Author:

Mahmoud Qayyumzadeh

Address:

Department of Jurisprudence and Education, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

Orchid Code:

0000-0003-1811-8616

Tel:

09354357782

Email:

maarefteacher@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: With the prevalence of postmodernism on people-to-people relationships and the complexity of these relationships, various strategies have been devised to evade regulation. One of these regulations is the prohibition of usury. The purpose of this study is to investigate strategies to escape from usury in the thought of Imam Khomeini.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: The sanctity of usury is one of the tenets of jurisprudence in all Islamic religions and its sanctity can be proved by reason, Qur'an, tradition, and consensus. Even in pre-Islamic religions, usury has been banned. Its gradual decline indicates the prevalence of usurious transactions in the early days of Islam.

Conclusion: According to the Qur'an, the criterion for the sanctity of usury is oppression and injustice. As a result, its absolute sanctity and ways to escape from it are also forbidden; In other words, simply creating a cover to escape the appearance of usury will not make the action permissible.

Cite this article as:

Fakhri Damascus M, Qayyumzadeh M, Heidari MA. Ways to escape from usury in transactions from the perspective of Fiqh of Imamiyya with an approach to the views of Imam Khomeini. *Economic Jurisprudence Studies*. 2021; 3(3): 31-52.